

## عنوان بخش

مبانی نظری معماری؛  
مبانی نظری معماری پیشرفته  
Ph.D



### سبک‌شناسی معماری ایرانی

✓ هنر و معماری در جهان پهناور اسلامی دارای چهار دبستان یا شیوه‌ی بنیادی است. این چهار شیوه چنین هستند:

- ۱- **شیوه‌ی مصری:** این شیوه از معماری کهن مصر ریشه گرفته است و در کشورهای اسلامی شرق آفریقا، مصر، سودان و کشورهای پیرامونی تا حجاز را دربر می‌گیرد که در آنجا با شیوه‌ی شامی برخورداری می‌کند.
- ۲- **شیوه‌ی شامی:** این شیوه از هنر و معماری بیزانس ریشه گرفته و کشورهای سوریه، فلسطین، لبنان و اردن و بخشی از ترکیه را دربر می‌گیرد و دارای ویژگی‌های مشترکی با شیوه‌ی مصری است. این شیوه در عربستان با شیوه‌ی مصری در هم آمسخته شد.
- ۳- **شیوه‌ی مغربی:** که شیوه‌ای بسیار پیشرفته و چشمگیر است و دربرگیرنده‌ی کشورهای مراکش امروزی، الجزایر و جنوب اسپانیا می‌باشد.

#### نکات برتر

در این شیوه مسلمانان ایرانی سهم به‌سزایی داشته‌اند.<sup>۲</sup> شیوه‌ی مغربی یکی از شیوه‌های ارزشمند هنر و معماری اسلامی است. این شیوه بعدها به دو شاخه شد، یکی در شمال آفریقا برجای ماند و دیگری در اندلس پا گرفت. در جنوب اسپانیا، پس از گشایش آن به‌دست مسلمانان، ساختمان‌های ارزشمندی مانند کاخ‌الحمرا در غرناطه ساخته شد و همه‌ی پژوهندگان باور دارند که این شیوه تأثیر بسیاری روی هنر و معماری اروپا داشته است. شاخه‌ی اندلسی پخته‌تر از شاخه‌ی مغربی شد. گرچه هر دو یک خاستگاه داشتند.

- ۱- واژه‌ی «شیوه» در ایران برای بسیاری از هنرها مانند خطاطی، شاعری، نگارگری (نقاشی) و فرش به‌کار رفته و همان است که در هنر غربی به آن «استیل» style می‌گویند. اما در روزگار معاصر، پس از آنکه ملک‌الشعرای بهار کتاب «سبک‌شناسی» را نوشت، واژه‌ی «سبک» جای شیوه را گرفت.
- ۲- نمونه‌هایی از به‌کارگیری عناصر ساختمانی ایرانی در این شیوه یافت می‌شود. برای نمونه دروازه‌ی شهر رباط. در این شیوه برای ساختن یک چفد بالای درگاه، همچون ایرانیان قالب می‌زدند، یا بالای درگاه را خورشیدی یا گلجام کار می‌کردند. در دوی سوی جزایر ایروان «پیلک» یا نیم‌ستون چسبیده به دیوار کار کرده و آن را آذین می‌کردند (درس‌های دانشگاه علم و صنعت ایران، استاد پیرنیا).



**۴- شیوهی ایرانی:** این شیوه از همه ارزشمندتر و گسترده‌تر بوده و دربرگیرنده‌ی کشورهای میانرودان (عراق)، ایران، افغانستان، پاکستان، جمهوری‌های فرارودی (ماوراءالنهر)، ازبکستان، تاجیکستان و ... تا هند و اندونزی می‌باشد و همچنین شیخ‌نشین‌های پیرامون خلیج‌فارس (همچون عمان) و همه‌ی سرزمین‌هایی که ایرانیان در گسترش اسلام در آنها پیشگام بوده‌اند.

■ سبک‌شناسی معماری ایرانی در طی شش شیوه بررسی می‌شود. در معماری می‌توان این شش سبک را بر پایه‌ی خاستگاهشان نام‌گذاری کرد و آنها را چنین نامید: پارسی و پارتی از پیش از اسلام، خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی از پس از اسلام.

### اصول معماری ایرانی

■ هنر و معماری ایران از دیرباز دارای چند اصل بوده که این اصول چنین هستند: مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندگی و درون‌گرایی.

#### مردم‌واری:

■ مردم‌واری به معنای رعایت تناسب میان اندام‌های ساختمانی با اندام‌های انسان و توجه به نیازهای او در کار ساختمان‌سازی است.

■ مردم‌واری در اندام (فضا)های ساختمان و اجزای آن چنین نمایان می‌شود که برای نمونه اتاق سه‌دردی که بیشتر برای خوابیدن به کار می‌رود، به اندازه‌ای است که نیاز یک خانواده را برآورده کند. اجزایی چون در و پنجره، تاقچه، رف و نیز بستویی که برای انبار رختخواب به کار رفته نیز اندازه‌هایی مناسب داشتند.

■ معمار ایرانی افزاز (بلندا) درگاه را به اندازه‌ی بالای مردم می‌گرفته و روزن و روشن‌دان را چنان می‌آراسته که فروغ خورشید و پرتو ماه را به اندازه‌ی دلخواه به درون سرای آورد. پهنای اتاق خواب به اندازه‌ی یک بستر بوده و افزاز تاقچه و رف به اندازه‌ی است که نشسته و ایستاده به آسانی در دسترس باشد. روزن بالای پنجره یا گلجام معمولاً دارای شیشه‌های رنگی به رنگ‌های زرد لیمویی و آبی بوده که این شیشه‌ها را از غرابه‌های شکسته به دست می‌آوردند. برای جلوگیری گرما به درون، از ارسی<sup>۳</sup> بهره می‌بردند یا دیوار و آسمانه (سقف) را دو پوسته می‌ساختند تا لایه‌ی پنام (عایق) جلوگیری گرما باشد.

■ اگر خوابگاه ایرانی اندازه‌ای خُرد و درخور گسترش یک یا دو بستر داشته، در برابرش تالار و سفره‌خانه‌ای با شکوه و پهناور بوده است. اگر خوابگاه خرد بوده، از آن خداوند خانه بوده و شایسته نبوده بیگانه‌ای به آن راه یابد، اما تالار، باید که شایسته‌ی پذیرایی مهمان گرامی باشد.

#### پرهیز از بیهودگی:

■ در معماری ایران تلاش می‌شده که کار بیهوده در ساختمان‌سازی نکنند و از اسراف پرهیز می‌کردند.  
■ اگر در کشورهای دیگر، هنرهای وابسته به معماری مانند نگارگری (نقاشی) و سنگ‌تراشی، پیرایه (آذین) به شمار می‌آمده، در کشور ما هرگز چنین نبوده است. گره‌سازی با گچ و کاشی و خشت و آجر و به

۳- ارسی یعنی گشاده یا باز.

گفته‌ی خود معماران، آمود و اندود، بیشتر بخشی از کار بنیادی ساختمان است. اگر نیاز باشد در زیر پوشش آسمانه، پناهی در برابر گرما و سرما ساخته شود یا افزاز بنا که ناگزیر پر و پیمون است و نمی‌تواند به دلخواه معمار کوتاه‌تر شود، تنها با افزودن کاربندی می‌توان آن را کوتاه‌تر و «پاندام» و مردم‌وار کرد. اگر ارسی و روزن با چوب یا گچ و شیشه‌های خرد و رنگین گره‌سازی می‌شود برای این است که در پیش آفتاب تند و گاهی سوزان، پناهی باشد تا چشم را نیازارد و اگر گنبدی از تیزه تا پاکار با کاشی پوشیده می‌شود تنها برای زیبایی نیست.

### نکته‌برتر: واژه‌ی «زیبا» به معنای «زیبنده‌بودن» و تناسب‌داشتن است نه قشنگی و جمال.

■ در زیگورات چغازنبیل از ۱۲۵۰ پیش از میلاد، می‌توان کاربرد کاشی را دید. در این ساختمان، ازاره‌ی دیوارها را با کاشی آبی آمود کرده‌اند. چون هنگام رفت‌وآمد مردم، برخورد به پای دیوار بیشتر بوده است، و چون خشت در برابر باران آسیب می‌دیده، نمای ساختمان را با آجر پوشانده‌اند.

■ معماری ایرانی در جاهایی که مردم در آن بر زمین می‌نشستند و به دیوار تکیه می‌زند، برای افزایش پایداری ازاره‌ی دیوار، آن را با اندودی از گچ که با کتیرا آمیخته شده بود، تا بلندی یک گز اندوه می‌کردند که رویه‌ای سخت به‌دست می‌آمد، به‌گونه‌ای که خراشیدن آن دشوار بود. ازاره‌ی بیرونی ساختمان را هم بیشتر با سنگ کار می‌کردند.

■ از کاشی در آمود گنبدها بهره‌گیری می‌کردند و آن را پر از نقش و نگار می‌کردند. این تکه‌های رنگی کاشی، آسان‌تر تعمیر و بازسازی می‌شدند.

#### نکات برتر

کاشی عمر زیادی ندارد و پس از زمانی از جا کنده شده و فرو می‌ریزد، به‌ویژه در جاهایی که برف و یخ هم باشد. اگر رویه‌ای یکرنگ باشد، بازسازی بخش کنده‌شده دشوار می‌شود و کار دو رنگ درمی‌آید. ولی هنگامی که تکه‌تکه و چندرنگ باشد، کار آسان‌تر است.

### نیارش:

■ واژه‌ی «نیارش» در معماری گذشته‌ی ایران بسیار به‌کار می‌رفته است. نیارش به دانش ایستایی، فن ساختمان و ساخت‌مایه (مصالح)‌شناسی گفته می‌شده است.

■ آنها به تجربه، به اندازه‌هایی برای پوشش‌ها و دهانه‌ها و جرزها دست یافته بودند که همه بر پایه‌ی نیارش به‌دست آمده بود.

#### نکات برتر

- ۱ پیمون، اندازه‌های خرد و یکسانی بود که در هر جا درخور نیازی که بدان بود به‌کار گرفته می‌شد.
- ۲ پیروی از پیمون هرگونه نگرانی معمار را درباره‌ی ناستواری یا نازیایی ساختمان از میان می‌برده.
- ۳ معماران همراه با بهره‌گیری از پیمون و تکرار آن در اندازه‌ها و اندام‌ها، ساختمان‌ها را بسیار گوناگون از کار درمی‌آوردند. هیچ دو ساختمانی یکسان کار در نمی‌آمد و هر یک ویژگی خود را داشت، گرچه از یک پیمون در آنها پیروی شده بود.



### خودبسندگی:

■ معماران ایرانی تلاش می‌کردند ساخت‌مایه‌ی مورد نیاز خود را از نزدیک‌ترین جاها به‌دست آورند و چنان ساختمان می‌گردند که نیازمند به ساخت‌مایه‌ی جاهای دیگر نباشد و «خودبسند» باشند. بدین‌گونه کار ساخت با شتاب بیشتری انجام می‌شده و ساختمان با طبیعت پیرامون خود «سازوارتر» درمی‌آمده است و هنگام نوسازی آن نیز همیشه ساخت‌مایه‌ی آن در دسترس بوده است.

#### نکات بزرگ

- 1 معماران ایرانی بر این باورند که ساخت‌مایه باید «بوم‌آورد» یا «ایدی» (اینجایی) باشد. در ساخت تخت‌جمشید، بهترین سنگ را از یک کان (معدن) در نزدیکی دشت مرغاب به‌دست می‌آورند و با ارابه‌های چوبی به تخت‌جمشید می‌رسانند. این سنگ را بیشتر برای روکش دیوارهای ستبر خشتی به‌کار می‌بردند. فرآوری خشت نیز کاری بسیار ساده بوده است.
- 2 معماران ایرانی تا آنجا که می‌شد تلاش داشتند ساخت‌مایه‌ی مرغوب به‌کار برند و با بهترین گونه‌ی خاک، گچ، آهک و سنگ کار می‌کردند. اگر فرآوردن و آماده‌ساختن آن از همانجا شدنی نبود، از جای دورتر بهره می‌گرفتند.

■ در کناره‌ی کویر، چون خاک شوره‌دار بود، آجر خوبی به‌دست نمی‌آمد. پس هنگام کار این‌آجرها را میان چند رج خشت می‌چیدند و برای از میان بردن شوره‌ی آنها، دوغابی به‌نام فرش آهک به‌کار می‌بردند که با ماسه‌ی نرم درست می‌شد.

■ نمونه از خودپسندگی و بهره‌گیری از امکانات موجود، در ساخت میان‌سرای (حیاط) گود یا باغچال یا گودال باغچه در خانه‌ها بود. در تهران، آب روگذر بود و از آن برای پرکردن آب‌انبارها بهره می‌بردند. در کاشان، زواره و نایین آب زیرگذر بود، برای همین میان‌سرا را چنان گود می‌ساختند که تنه‌ی درختان باغچه در گودی پنهان می‌شد.

#### نکات بزرگ

- 1 معماران خاک برداشته‌شده را دوباره در همان ساختمان به‌کار می‌بردند. گودشدن ساختمان به ایستایی تاق نیز کمک می‌کرد. چون زمین، پشت‌بند در برابر رانش بود.
- 2 در محله‌ی شارسران یزد، زمین تا ژرفای دومتری از جنس خاک رس و پایین‌تر از آن، جنسی به نام «چلو» یا «کرشک» است که لایه‌ی بسیار سخت است. معماران خاک رس را برداشته و روی لایه‌ی سخت، با همان خاک ساختمان می‌ساختند.<sup>۴</sup>

۴- سردر مسجد جامع یزد بر زمین سنگی ساخته شده و با اینکه چند کاریز (قنات) بزرگ از زیر آن می‌گذرد، از هنگامی که ساخته شده (سال ۷۷۷ هجری) تاکنون تنها سه سانتی‌متر نشست کرده است.